

راهپیمایی ۳۳۳ دی: تعرض انقلاب علیه ضد انقلاب

پرولتا ربا این توفان سیرتعالی را نخواهد
بهمودا انقلاب پیروز مند بوقوع نخواهد پوست،
در صورت فقدان رهبری طبقه کارگر، در بهترین
حالت، خرده بورژوازی دمکرات، انقلاب را در
چهار چوب منافع تنگ خود میا خواهد کرد و از
پیروزی سوسیالیسم بشدت مانع بعمل خواهد
آورد.

منکلات بسیار روسیا راست، ما پرولتا ربا
با اتکا به ادولولوژی علمی خود میتوانیم ندا پس
جهان را تغییر دهیم و دنیا را نوینی را برقرار
سازیم. ما رکیسم لنینیسم و شورویسم کسبی
پرولتا ربا را، سلاح شکستنا پذیری است که
کمونیستها را در راه انقلاب پیگیرانه به پیش
میراند. با چنین روحیه ای است که کمونیستها
میایست به استقبال جنبش اوگیرنده بشتابند.

شرایط جدید و تاکتیک نوین

با توجه به تحلیل از شرایط عینی جامعه و
توجه به وظایف سنگین کمونیستهاست که تاکتیک
برانگیختن جنبش توده ای امر بسیار مهمی
بشمارد. امروز ما در عین حال با شرایطی
و توده ها بیش از پیش آمادگی مبارزه مستقیم
علیه دستگاه حکومتی را کسب مینمایند. در میان
پرولتا ربا و سایر توده ها روحیه تعرضی علیه
حکومت ظلم و ستم سرما به داران، بیش از پیش
شکوفا گشته، اعتماد به دولت حاکم مضاعف گشته و
خشمهای فروخورده ما لهای ستگیری به شورشها و
طعمها بدل میگردد. در چنین اوضاعی
کمونیستها با بدروجه تعرضی پرولتا ربا و سایر
توده ها را تقویت نموده و سیاست شدید خفگان
ارتجاع را درهم شکنند. رژیم جمهوری اسلامی در
طی جنگ ارتجاعی شدیداً به سرکوب انقلاب و
تعقیب و شکنجه و عداوت کمونیستها و انقلابیون
پرداخت و کوشش کرد تا جو خفگان آمیزی حاکم بر
جامعه کرده و توده ها را به خمودگی و سکوت وادارد.
اگرچه سیروقایع و حوادث پس از جنگ و آشکار
شدن ما هیت پلید جنگ و اهداف ارتجاعی آن
تکانه های بسیار زیادی در میان توده ها بوجود
آورد، اما کمونیستها بیمنابه عنصر آگاه و مبنایست
در جهت تغییر انقلابی و بازمبشتر عنصر عینی
حرکت نما بند، کمونیستها با بدروجه تعرضی
توده ها را هر چه بیشتر بیدار کرده و آنان را در
جهت خواستهای عادلانه شان علیه این حکومت
برانگیزانند. کمونیستها با بدبا اتکا به

وحشت ارتجاع و رویزیونیستها نایبگیری مجاهدین و تسلیم طلبی راه کارگر

جرمان سال مبارزه طبقه ای نمیتواند آرام
بگیرد.

پروا فح است که در چنین شرایط متلاطمی
کمونیستها با بدبا استقبال جنبش اوگیرنده
توده ها بشتابند. طبقه کارگر و کمونیستها با بد
در انقلاب آینده نقش هدايت کننده ای بفا نما بند
طبقه کارگر و کمونیستها با بدخط ضد انقلابی
لیبرالها و رویزیونیستها و نیز خط نایبگیری
دمکراتها را افشا کرده و توده ها را به اصول
سیاست انقلابی خود بسیج نموده و بسوی کسب
قدرت پیش بروند.

طبقه کارگر و کمونیستها با بدبا بدست
گرفتن یگان جنبش، انقلاب را تا به آخر به پیش
برده و سوسیالیسم را برقرار نمایند. آری در
سرا بر این همه وظایف سنگین اما پرشکوه و شور -
انگیز، زهم اکنون با بدبشتا قان و فعلاً لانه به
استقبال مبارزه اوگیرنده توده ها شناخت،
با بدبشتا قی قدرت استکا و روخاقت را بکار
انداخت، توده ها را با ایده های انقلاب تابه
آخر پرورش داد و آنان را متشکل و بازمبشتر متشکل
نمود. با بدبخت و عمیقاً توده ها را به مبارزه ای
آگاهانه تبدیل نموده، کانونهای مقاومت و
مبارزه پراکنده کنونی را همسوا خندودا منسوخ
این مبارزات را گسترده کرد و بدون انجام این
وظایف، انقلاب در راستای منافع پرولتا ربا و
سوسیالیسم حرکت نخواهد کرد. هرگز نایبگیری و
کرد که توفان مبارزه طبقه ای در پیش است و
هرگز نایبگیری و موش کرد که بدون رهبری

جنبش اعتلائی و وظایف کمونیستها

همه رویدادهای اجتماعی حکایت از آن می
کنند که رنده فرا بنده مبارزه طبقه ای و جنگ
اجلی، دورنمای جامعه ما است. فقر و فلاکت بی -
سابقه کارگران و سایر توده ها و افزایش آگاهیه
انقلابی در میان آنها، وسعت مابسی روحیه
تعرضی توده ها و انکشاف مبارزات توده ای و
تعمیق هر چه بیشتر آن، عمق مابسی بحران اقتصادی
سیستم کنده ها که موعلاج ناپذیری آن، شدت مابسی
تفاذهای درون هیات حاکمه و استحاله رشد -
نا بنده آن و با لآخره رنده نیروهای انقلابی و
بعموم نیروهای کمونیست پیگیر و گسترده شدن
مبدان نفوذ توده ای آنها، همه و همه مابسی نگر
نزدیک شدن انقلاب توده ها است.

امروز مبارزات طبقه کارگر در کارخانه ها،
مبارزات آوارگان و جنگزده، مبارزات افسار
زحمتکش شهری، مبارزات دانشجویان و دانش -
آموزان کمونیست و انقلابی و در یک کلام مبارزات
توده ای، هیات حاکمه ارتجاعی را محاصره کرده
است. اگر چه جنگ ارتجاعی ایران و عراق
و فقه ای کوتاه در سیر رشد بنده جنبش بوجود
آورد، اگر چه حکومت موجود به تبلیغات شوینستی
گسترده ای برای منحرف ساختن جنبش توده ای
اقدام نمود، اگر چه رژیم حاکم به سرکوب متمرکز
علیه کمونیستها پیگیر دست زدن آنان را جدا
از توده ها نگاه دارد، اما جنبش خاموش نشد.
جنبش در اعماق جامعه یعنی در نهادها
طبقه ای ریشه دارد. مبارزه طبقه ای انعکاس
مستقیم این تفاذهای آشتی ناپذیر بوده و
ارتجاع علیه ممتما می شناسد و توطئه گریها،
هرگز و هرگز نخواهد توانست ارتعمیق این
مبارزه جلوگیری نماید.

جنگ ارتجاعی و فقه ای کوتاه در عمق مابسی
مبارزه طبقه ای بوجود آورد، اما بلافاصله نتایج
و بیامدهای فلاکت بار جنگ، آگاهگری
کمونیستها پیگیر و فروریختن توه بخش مهمی
از توده ها، بیشتر مابسی جهت گسترش مبنای
مبارزه طبقه ای فراهم آورد. بورژوازی تصور
کرد با تبلیغات شوینستی در میان مردم،
با بکار گرفتن جنایتکارانه ترین سرکوبها در
فصل کمونیستها پیگیر و راستین و با فساد
نمودن رویزیونیستها، مرتد، میتواندا ز رشد
مبارزه طبقه ای جلوگیری کند، اما واقعیتها
نشان داد که بورژوازی ارتجاعی کوراست و

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

میآید، رژیم میدانتست که برپا بی نظا هرات کمونیستها تا شورشگری برپا بر بخشهای جنبش گذاشته، آلترنا تیبو کمونیستی را بیش از هر زمان دیگر در میان توده ها مطرح ساخته و این تظاهرات بمنظور بهای ملی در جهت پس زدن شرایط خفکان و کسرتش با زهم بیشتر جنبش توده ها عمل خواهد کرد.

رژیم میدانتست که برکزاری این تظاهرات بشدت او را منزوی ساخته، انقلاب را توسعه داده و نفوذ کمونیستها را در میان پرولتاریا و سایر توده ها تسریع خواهد نمود.

با توجه به این واقعیت ها بود که تمامی جناحهای رژیم و ریزبویونیستهای مرتدو خاشن به مقابله با این راهبها می برخاستند و کشف، تریب آنها مات ضد انقلابی را علیه کمونیستها گفتند و نوشتند. در این مقابله مرتجعانه همه جناحهای هیات حاکمه توافق داشتند، همه ارگانهای تبلیغاتی جناحها به حمله دست زده و با "مریکا" میخوانند کمونیستها مذبحا نسه کوشیدند تا از برکزاری راهبها می جلویگیری کنند. حزبها از ضرورت خفه کردن تظاهرات در نطفه صحبت کردند، "میزان" ارگان لیبرالها، کمونیستها را "مریکا" میخوانند و "دفتر" ریاست جمهوری از "بورش" کمونیستها به

دا نشکا صحبت کرد و در روز تظاهرات را دبیو نطق ضد انقلابی خمینی راجع به دا نشکا را پیش کرد. خمینی در این نطق گفته بود: "شما مگر ندیدید که آنوقت که دا نشکا با زود چه فساد بود، دا نشکا دستگیر بود از برای کمونیستها و اطاق جنگ بود برای کمونیستها" سپس خمینی مخالفت شدید خود را با زکنا می دا نشکا و کمونیستها اعلام نمود. بدین ترتیب میبیمیم که همه جناحهای ضد انقلاب به مواجگیری ارتجاعی علیه تظاهرات پرداخته و تمام قوا کوشیدند تا از برکزاری تظاهرات جلویگیری کنند. لیبرالهای مرتجع اگر چه به لحاظ تضاد که با جناح حزبها دارند و آنجا که خود را می هزمونی نیستند، در تبلیغات علیه راهبها می نسبت به حزبها فعالیت کمتری داشتند، اما آنان که ملا همبیمان با حزبها خواهان جلویگیری و سرکوب تظاهرات بودند، زیرا آنان میدانند که کمونیستها دشمن طبقه بورژوازی میباشند، زیرا آنان میدانند که اختلافات با حزبها همانند تضاد استی نا پذیر میان آنسان و کمونیستها هرگز نمیتواند باشد، زیرا آنان میدانند که در برابر انقلاب، متحد طبیعی شان حزبها مرتجع میباشند. واقعا اگر کمونیستها پیگیر همچنان به قدرت بیایی خود میان طبقه توده ها ادامه دهند، اگر کمونیستها همچنان ماهیت همه جناحهای ارتجاع و از جمله لیبرالها را افشا کرده و توده ها را بروی خط انقلاب و سرتکونی کل هیات حاکمه برورش دهند، آری در چنین موقعی جز این است که هستی ضد انقلاب محکوم به نابودی و امحلال است؟

ارتجاع مباح خود را خوب میفکند، او از

ما زمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار، در چهار چوب مضمی عمومی سازمان پیکار به مسئله با زکنا می دا نشکا بهر خوردن عمل نموده و به سازماندهی فعالیتها مختلف و از جمله تظاهرات دست میزند. روز چهارشنبه ۵۹/۱۰/۱۷ تظاهرات موضعی برای با زکنا می دا نشکا همپا برپا میگردد. در این تظاهرات رفقای انقلابی می با کانه در اطراف دا نشکا به اعتراض دست زده و با شعارهای چون "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها"، "از قحطی و گرا می، این جنگ ارتجاعی، مره به تنگ آمدند"، "بهشتی، بهنی، صدر، برای سرکوب خلق متحد و برادر" و "انقلاب فرهنگی حمله ارتجاعیست تعطیلی دا نشکا خود بهترین گواهیست...." خشم و کینه خود را نسبت به حکومت ستمگر جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند. آنان با فریاد دختیم آکین خود فضای خفکان را شکافتند و پها انقلابی خود را به گوش خلق رسانندند. رفقای انقلابی با تکتیک زنده و انقلابی خود ارتجاع را غافلگیر نموده و با افشگری کمونیستی خود مشت محکمی بر دهان رژیم جمهوری اسلامی و سرمدارانش کوبیدند.

جنبش بازگشائی دانشگاه

وحشت ارتجاع

به منظور ادامه بخشیدن به جنبش توده ای و ارتقاء روحیه تعرضی توده ها میبایست به اقدامات گسترده تری دست زد، میبایست توده های دانشجویان و دانش آموزان را به حول با زکنا می دا نشکا همسج نموده و نشان داد که کمونیستها در مبارزه علیه دیکتاتوری و سرکوب پیشقراولند میبایست مشت لیبرالهای عوام فریب را با ز کرده و نشان داد که لیبرالهای خیانتکار، خاشن به آزادی بوده و دا نشکا را برای تربیبت متخصصین و تکنسین های مورد نیاز سرمایه داری وابسته میخوانند، میبایست توطئه ضد انقلاب فرهنگی رژیم را برملا نموده و نشان داد که هیات حاکمه و از جمله حزب جمهوری اسلامی با سمدار فرهنگ امپریالیستی و ارتجاعی میباشند و دشمن سرسخت فرهنگ کمونیستی و انقلابی اند. برای چنین اهدافی بود که ما زمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار، دانشجویان و دانش آموزان - ان هوان را سازمان رزمندگان، دا نشجویان پیستامودا نشجویان هوان را هکارگر تصمیم به برکزاری تظاهرات ۲۳ دیماه میگیرند.

در مقابل این تعرض انقلابی، وحشت سراپای رژیم جمهوری اسلامی را گرفت. تمامی دستگاه های تبلیغاتی رژیم، تمامی ارگانهای وابسته به آن و تمامی جناحهای هیات حاکمه ارتجاعی و به همراه آنان تمامی ریزبویونیستهای خاشن به لجن پراکنی علیه راهبها می و کمونیستها و بخصوص ما زمان ما برداشتند. رژیم مرتجع جمهوری اسلامی میدانتست که توده کثیری از مردم از این اقدام پشتیبانی نموده و انجام این راهبها می ضربه بزرگی به هیات حاکمه وارد

تا کنیکهای انقلابی متناسب با دوران اعتلا جنبشهای سیاسی و اعتراضی را برپا نموده و رمنه ای را بوجود آورند تا در بستر آن بخشهای مختلف جنبش برزوی یکدیگر را شرا انقلابی گذاشته و بر عمق، سطح و ایما یکدیگر بیافزایند. ما بسوی تشدید مبارزه طبقاتی و جنگ داخلی میسی جنگ میان پرولتاریا و سایر توده ها از یکسو و بورژوازی و امپریالیستها و کلیه مرتجعین از سوی دیگر پیش میرویم. ما با یکدیگر میبیم تا این دورنمای شکوه مند و انقلابی هر چه سریعتر تحقق یابد. ما با بدبیمنا به عمر آگاه در جهت تحقق این امر با تمام قوا یکسویم. مضمی عمومی ما زمان ما در جهت چنین هدفی سر میبکنند و سیاست دانشجویان ما نیز با تالی این مضمی عمومی است.

جنبش دانشجویی بمنظور بخش لاینفک جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلق نقش معالی در این زمینه میتواند بازی کند. امروز جنبش دانشجویی - دانش آموزی تحریک بسیار زیاده از خود نشان داده و کمونیستها با بدبیمنا حرکت و پها می را بر اساس یک سیاست و تکتیک انقلابی شکوفا تر ساخته و بمنظور بهای ملی کمک کنند به کل جنبش خلق در نظر داشته باشند. در چنین شرایطی که کا ملا با مقطع اشغال سفارت و شروع جنگ تفاق و دا ردها بدبیا انتخاب شعارهای تاکتیکی صحیح، این جنبش (و نیز سایر جنبشها) را بسیج کرده و مبارزه طبقاتی را تشدید نمود. شعار با زکنا می دا نشکا همبیکسی از شعارهای اصلی تاکتیکی این دوره میباشند. این شعارها تنها بیانگر خواست منصفی دهها هزار دانشجویان است، بلکه بویژه و مهمتر از آن باز نمودن دا نشکا همبنا به بازگشودن یک سنگر انقلابی و گانوان آگاهی انقلابی مطرح است. با زکنا می دا نشکا همبنا به یکی از نقاط ضعف رژیم است و این نقطه ضعف را به مورد تضرع قرار داد، ارتجاع را به استیمال بیشتری کشاند و جنبش توده ای را با زهم نکش فداد، اپورتونیستی و ریزبویونیستی خواهد بود اگر هدف این با زکنا می را تحقق خواست منصفی توده دانشجویان مترقی در این نظام منقطع جمهوری اسلامی، اساسا نه یک مبارزه سیاسی انقلابی، بلکه مبارزه ای منصفی است. و راستروانه خواهد بود اگر شعار تاکتیکی در این دوره را به شعار با زکنا می دا نشکا محدود ساخته و توده ها خواست جنبش کارگری و جنبش دمکراتیک ضد امپریالیستی را بدست فراموشی سپرد. شعار با زکنا می دا نشکا و تنها یکی از شعارهای تاکتیکی و انقلابی است که میتواند در گسترده ترن نمیشود منصف جنبش توده ای نقش مهمی بازی نماید. و با آخره اگونومیستی خواهد بود اگر این عرصه را مبارزه یعنی با زکنا می دا نشکا را راه کرده و آنرا بدست لیبرالهای ضد انقلابی سپرد تا آنان در رقابت با حزبها خود را مدافعین با زکنا می و آزادخواهی جلوه دهند.

با توجه به جنبش ارزیابی و تحلیلی است که

انقلاب سخت هراسان است و به همین خاطر از صبح روز ۲۳ دیماه رژیم جمهوری اسلامی پاسداران، قداره بندان، چاقو کشان، اوباشان و دارودسته های سرکوبگر! ارتجاعی خود را در جلودان نشگاه بسیج میکند. و نه تنها در برابر نشگاه، بلکه تمام افراد مزدور متشکل در کمیته ها را در سطح شهر به حالت آمادگی در میاورد. ارتجاع در صد است تا با اصطلاح نظرات را در نقطه حقه کند و هیچگونه صدای اعتراضی بلند نشود. "کمیته مرکزی انقلاب اسلامی" در اطلاعیه مورخه ۲۳ دی ۵۹ به کمونیست ها و نظا هر کنگدگان اعلام میکند: "در صورت ایجا دهرگونه نا امنی و اختلال در نظم، از دستگیری و تحویل آنان به دادگاه ها ناگزیر خواهد بود و با افراد خاطی طبق مقررات زمان جنگ رفتار خواهد شد." بدین ترتیب سوز و زوی اعلام میکنند که فربه سرکوب خونین نظا هر کنگدگان است. به علاوه رژیم با تبلیغات گسترده میگوید تا توده های آگاه در برابر نشگاه بعنوان اعتراض تجمع نکنند، رژیم از قدرت - نمائی توده ها برخوردار میسرود و سعی میکند تا چنین وانمود سازد که کمونیست ها کاملاً منفرد میباشند و توده های آگاه از آنان حمایت نمیکند. سوز و زوی که در این دوره با آنگاه به تبلیغات ثوونیستی در باره جنگ و روحیه دفاع طلبی توده ها توانسته است تا حدودی خود را از زیر ضربات جنبشهای گسترده در آنگاه نگه دارد. از اینکه این راهیما شی صورت بگیرد و توده ها را بطور وسیعتری به میدان مبارزه بکشانند، هراسناک است.

رویزونیست ها سگان نگهبان بورژوازی

در دفاع از بورژوازی جنا بیکار، رویزونیست ها فعالانه علیه راهیما شی و کمونیست ها بسیج میشوند. رویزونیست ها که سگان نگهبان سرما به داری میباشند، رویزونیست ها که با سدا ران نظام ارتجاعی کهنه و دشمن انقلاب و پرولتا ریا میباشند، رویزونیست ها که نوکران بیسدا ر دولت سرما به داریان بوده و همیشه برای فریب توده ها چهره کریمه دشمن را مناسطه گری می نمایند، این با رنیما نتند همیشه به انجام "وظایف مقدس" خود پرداختند این با رنیما عدیت خود را با پرولتا ریا ایران و چاگری خود را به افراد منفوری چون بهشتی ها، رفسنجانی ها و بنی مدرها به نمائش گذاشتند. این با رنیما در استان خون آلود جلادان کارگران، زحمتکشان و کمونیست ها را پنهن ساخته، از زمین سرما به داریان و جنگ ارتجاعی حمایت کرده و خسانت طبقهائی و پستی و ذلت خود را در طبق اخلاص گذاشتند.

حزب توده خاش در دفاع از زستکسوران، وقیحانه از دولت جمهوری اسلامی خواست تا با نثار هرات کمونیست ها به قباله سرخاسته و آنرا

طرفدار انقلاب و با زکشا شی دانشگاه به نمائش یکی از سنگر های انقلاب میباشند.

در واقع حضور دهها هزار ارتجاعی توده آگاه نشان داد که جو رکودی که در مقطع جنگ ارتجاعی به آلامده بود، در هم شکسته و توده های آگاهی دارند فعالانه میدان مبارزه گسترده قسدم بگذارند. تجمع این توده کنی ر نشان داد که ارتجاع ستفیع بر آید به بیشتر جنبش توده ای تغییر کرده و توده ها خا مرند علیه حکومت تعرض بیشتری نمایند. گرد آمدن این توده انبوه پیش از هر زمان دیگر نشان داد که در این زمان به مبارزات توده ای، متشکل دادن این توده آگاه و رهبری فعال و بیتر حرکت آن، ضرورتی بس بزرگ است. در چند ماهه اخیر بخصوم از زمان جنگ اسرا و عراق این بزرگترین نمائش قدرتی بود که به ارتجاع در تهران منسبند. نمائش قدرتی که به اینکارت کمونیست ها صورت گرفته بود، این امر

"خشی" و "سرکوب" بنما بند. فدائیان اکثریت خاشن طی اعلامیه ای از مردم خواست تا این راهیما شی را "تحریم" کنند و سوز و زورانه جنبش ها وانمود سازد که کوپا راهیما شی کمونیست ها این نما بندگان راستین پرولتا ریا "بنفیع امیریا لیم آمریکا" است و رویزونیست های دبگرنیز در حالت ازدولت خیا رها کم و چنگ ارتجاعی خواستار تحریم نظا هرات انقلابیون کمونیست گردیدند. آیا واقعا میتوان انتظار دیگری از اینان داشت؟ آیا واقعا رویزونیست ها میتوانند برخلاف ما هیت طبقهائی خود عمل کنند؟ آیا واقعا آنان میتوانند بنده پرولتا ریا خیانت نکنند؟ نه و هرات را رنه! رویزونیست ها روسپان سیاسی هستند که به قیمت خیانت کامل به پرولتا ریا، خود را به بورژوازی فروخته اند. ما هرگز از رویزونیست ها انتظار نداریم که به حمایت از راهیما شی، کمونیست ها برخیزند. ما

اما طبرقم اینک رژیم منفور جمهوری اسلامی به تبلیغات زهر آگین خود طیه نظا هرات دست میزند و دسته های اوباش و جلاد خود را علیه کمونیست ها بسیج میکند و طبرقم اینک رویزونیست ها کثیف ترین همکارها را با دولت سرما به داری انجام میدهند و توده ها را به عدم حمایت از کمونیست ها فرا میخوانند، دهها هزار توده آگاه به ندای کمونیست ها پاسخ مثبت میدهند.

با نکره سیرا و غاع به نفع انقلاب و کمونیست ها بود. بر سرانه تنها توده انبوهی در جلودان نشگاه کرده ام آمدند، بلکه همچنین واقعبیت ها حکایت از انفرادی زهم بیشتر جمهوری اسلامی میکرد. چرا که کل نیروهای فعال بسیج شده رژیم به دوهزار نفر میرسد و توده موهمی که دیروز از جمهوری اسلامی فعالانه حمایت میکرد، امروزه ناظر بر طرفی تبدیل شده بود، ناظرانی که فردا در صفوف جنبش به حرکت در میا بند. سدا از اینک سا زمان فدائیان اکثریت به رویزونیسم کامل در غلطید و مریه بس مهمی را به جنبش کمونیستی ایران وارد ساخت این اولین باری بود که توده کنی ر تحول شاعرهای قطب کمونیستی بسج شده بود. خسانت فدائیان اکثریت اگرچه بطور موقتی باعث تقویت قطب سدا انقلاب گردید اما رشد مبارزه طبقهائی فعالیت کمونیست ها و صداقت و بیگیری آنان در امر مبارزه علیه حکومت، تعوذ توده ای کمونیست ها را گسترده تر ساخت. نگاه به نقش مهم کمونیست ها (کومله، بیگار و...) در جنبش مقاومت کردستان، نگاه هی به فعالیتهای افساکران کمونیست ها علیه رژیم نگاه هی به فعالیتهای سازمان آوارگان و آوارگان جنگ و با لخره نگاه هی به گردما شی توده آگاه در حالت ارتکمونیست ها، بیان این واقعبست است که اگرچه سوز کمونیست ها به آلت رنا تیو نیرومند، توده ای و سراسری تبدیل نگشته اند، اما در سطح جا مع به یک نیروی غیر قابل انکار تبدیل شده اند. جنبش کمونیستی امروز فقط یک گراپش ایدئولوژیک نیست، این جنبش علمبرغم

هرگز از رویزونیست ها انتظار نداریم که طرفدار انقلاب باشند. آنان سگان نگهبان سوز و زوی هستند که بطرف انقلاب با رس میکنند. انسان در شرایطی که بورژوازی به وحشت افتاده، و طبقه دیگری ندارد، جز اینک به جنبش توده ها با رس کنند. رویزونیست ها دشمن پرولتا ریا هستند و کمونیست ها دشمن رویزونیست ها میباشند. هرما نظور که زندگی دنگین رویزونیست ها در چاگری بورژوازی و ضدیت با پرولتا ریا خلاصه شده، زندگی بیافتخار کمونیست های راستین در سارزه علیه دشمنان طبقهائی یعنی سوز و زوی و رویزونیست ها تجسم یافته است. این قانون سارزه طبقهائی است!

گرد همایی دهها هزار نفر و برآمد قطب کمونیستی

اما علمبرغم اینک رژیم منفور جمهوری اسلامی به تبلیغات زهر آگینی علیه نظا هرات دست میزند و دسته های اوباش و جلاد خود را علیه کمونیست ها بسیج میکند و طبرقم اینک رویزونیست ها، کثیف ترین همکارها را با دولت سرما به داری انجام میدهند و توده ها را به عدم حمایت از کمونیست ها فرا میخوانند، دهها هزار توده آگاه به ندای کمونیست ها پاسخ مثبت میدهند. دهها هزار توده آگاه در برابر نشگاه حضور پیدا میکنند تا نسبت به رژیم جمهوری اسلامی و ما شی جنا ب و از جمله "فدا انقلاب فرهنگی" نفرت خود را ابراز دارند. دهها هزار توده آگاه با حضور خود در صحنه نشان میدهند که

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

خبا نتهای بیشمار رویزیونیستهای گوناگون و علیرغم ضعفهای اساسی خود به یک جریسان اجتماعی تبدیل گشته است، جریانی که ارتجاع ناگزیر است آنرا در محاسبات خود به حساب آورد. ویی سبب نبود که بمحض اعلام راهپیمایی ۲۳ دی ماه، ارتجاع تبلیغات گسترده ای علیه کمونیستها سازمان داد. دویی سبب نبود که عمده حملات ارتجاع علیه سازمان ما متمرکز بود. بسا توجه به نقش گتونی جنبش کمونیستی و با توجه به نقش برجسته سازمان ما در جنبش کمونیستی، فعالیت انقلابی گسترده ای که در سطح جامعه به پیش میرود و نقش فعالی که در جریان مبارزه طبقاتی از خود نشان میدهد، ارتجاع نمیتواند نسبت به جنبش ما رکبستی - لنینیستی و سازمان ما بی تفاوت بماند و مورد حمله طبقاتی خود قرار ندهد.

بدین ترتیب با توجه به نقش فزاینده کمونیستها در جنبش توده ای، جمع شدن توده کثیری از مردم شهران نه تنها نشان نفرا د بیشتر رژیمها کمبود، نه تنها انفرادی اعتباری رویزیونیستها را به نمایش گذاشت، نه تنها میزان نفوذ توده ای جنبش کمونیستی را مشخص ساخت، بلکه همچنین مرز بندیهای سیاسی و طبقاتی را دقیقتر نمود. به این معنا که اعلام این راهپیمایی و گرد هم آشی توده کثیری از مردم آگاه در مقابل دانشگاه، تاحام میکان رویزیونیستها و کمونیستها را در سطح توده ها مطرح نمود و توده ها بطرز بارز و مدیست رویزیونیستهای خاش را با کمونیستها دریافتند و بیش از پیش روشن شد که رویزیونیستها شکی مانند حزب توده خاش و اکثریتی های خاشن حامی بورژوازی و دولت جمهوری اسلامی میباشد حال آنکه کمونیستها رهروان راه پرولتاریا و انقلاب میباشد. تیارزان مرز بندی میان رویزیونیستها و کمونیستها در سطح توده ای کامی بود. منفع انقلاب و جنبش کمونیستی، زیبیرا توده ها بطور ملموس، تاحام میان رویزیونیستها و کمونیستها را دریا فته و بیش از پیش درک کردند که چه کسانی مخالف انقلاب و چه کسانی موافق انقلاب میباشد.

مجاهدین و باز هم ناپیگیری و تزلزل

اعلام راهپیمایی برای بازگشتی دانشگاه موقعیتی بوجود آورد و دنا یکبار دیگر ناپیگیری سازمان مجاهدین خلق آشکار گردید. مجاهدین یکبار دیگر نشان دادند که مشی حاکم بر آنتان نه مشی انقلابی بلکه مشی اصلاح طلبانه است. مجاهدین یکبار دیگر نشان دادند که چگونه تحت عنوان با مصلح مبارزه علیه "پورتونیم چپ" به محاسبات طلایی با بورژوازی میپردازند و سیاست خود را تابع مقتضیات روز ووا بسته به حرکات رژیم حاکمی نمایند. در روز ۵۹/۱۰/۲۲ "تاحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشکده ها و مدارس عالی" در تبعیت از مشی عمومی سازمان مجاهدین خلق اطلاعیه ای مبتنی

بر این مضمون صادر نمود:

"... ما ضمن هشدار به همه (نیروهای مردمی و انقلابی) میخوایم تا با درپیش گرفتن سیاستی هشیارانه از لفظیدن به دامن پورتونیم چپ اجتناب کنند. از نظر ما همچنین سیاست نیروهای که با حرکات چپ روانه و سکتاریستی خود باعث تقویت ارتجاع شده و بسا نه مناسبی بدست نیروهای سرکوبگر و چاقا میدهند محکوم است" برای بی بردن به کنه سیاست راستروانه و انحرافی مجاهدین در قبال این واقعیه انقلابی با بدیهه این سؤال جواب داد: "کیسه اوضاع حاکم بر جامعه چیست؟ موقعیت دشمن چگونه است و قوای انقلاب در چه شرایطی میسرند؟ و دورنمای جنبش از نیروهای انقلابی چه مینماید؟"

مگر نه این است که جامعه ما در شرایط اعتلا بسر میرود؟ مگر نه اینکه تافتهای درون هیات حاکمه بیش از هر زمان دیگر شدت گرفته و آنرا مواجه با تزلزل گسترده ای ساخته است؟ مگر نه اینکه جناحیات رژیم و فخر و فلاکت توده ها بیش از پیش توده ها را برانگیخته و بطور فزاینده توده ها از خود استعدا دمبارزاتی گسترده تری را نشان میدهند؟ آری در چنین شرایطی نقش عنصر آگاه چیست؟ آیا باید عنصر آگاه نقش پیشرو ایفا کرده و توده ها را به تعرض بیشتر علیه حکومت وادارویا بدینسان به روح جنبش توده ها بود و برای حرکات خود بخودی توده ها هورا کشید و سر تسلیم فرود آورد؟ یا با بداد منته جنبش را گسترده ساخت و با همچنان دست به عماره رفت و نسبت به وسعت با بی جنبش محافظه کارانه برخورد نمود؟ یا با بد طرفدار انقلاب بود و با توده ها گفت با مبارزات روزمره خود برای اصلاحاتی چند دلخوش باشد؟

واقعاً مجاهدین برای این سئوالات چه پاسخی دارند؟ دوستان مجاهدیچگا تا صراحت بر انقلابی را دنا شده اند تا در سطح جنبش بوضوح به این مسائل پاسخ گویند. بنظر ما این واقعیت عینی، آرایش طبقاتی سطح جنبش توده ای و میزان نفوذ جنبش آگاه است که مشخص کننده سیاست ماست. و نه سیاست عقب مانده و دنباله روانه ای که مجاهدین پیشنهاد مینمایند. مجاهدین در شرایط اعتلا تا کنیک انقلابی دامن زدن به جنبش توده ای را "حرکت چپ روانه" از با بسی میکنند، آنتان کمونیستهای پیگیر و بخصوص سازمان ما را مبتلا به "پورتونیم چپ" میدانند و اقمیت چیست؟ مدیده ما جریانی که در پیسی انقلاب نیاید بلکه بکوشد تا بروی جنبش خود بخودی توده ها لمد دهد، هرگز نمیتواند تا کنیک انقلابی درک کند و توده ها را بسوی مبارزه عمیق ترورادیکا لترسز دهد، و بدیده مسابرواوض است که چنین نیروی از زاویه راست روانه و عقب مانده، مشی کمونیستی پیگیر را "پورتونیم چپ" بنامد.

انحراف اساسی دوستان مجاهدین این است

که هنوز که هنوز است که املا از اوام "مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی" خلاص شده و شدیداً گرفتار سازش طلایی و محاسبات با بخصی از بورژوازی ایران یعنی لیبرالها میباشد. این لحاظ آنتان در پی انجام انقلاب و سرنگونی هیات حاکمه نیستند، بحث بر سر در دستور روز قرار دادن شعار سرنگونی نیست، بحث بر سر اخصا ذ مشی سرنگونی و تربیت و پرورش توده ها به حول ایدها انقلاب و سرنگونی رژیم است.

انحراف اساسی مجاهدین این است که دارای چنین مشی ای نیستند و همین خاطر هر سیاست انقلابی که مثناً از مشی سرنگونی می باشد، با شدرا "پورتونیم چپ" قلمداد می نماید. مجاهدین از زاویه راست به نفی شعارهای انقلابی و سیاستهای انقلابی میسرند، چرا که خود بدور از یک مشی انقلابی میباشد. مشی ای که خواهان سرنگونی و انقلاب است. مجاهدین پیوسته سیاستهای انقلابی سازمان ما را "چپ روانه" جلوه داده اند، بهنگام اشغال سفارت، بهنگام شرکت فعال در جنبش مقاومت کردستان، بهنگام افشای بیرحمانه هیات حاکمه ارتجاعی، بهنگام حمایت بدیبرخ ما از جنبش های توده ای و غیره و غیره، ولی زمانیکه ما را با راه صحت نظرات ما در برانیک مبارزه طبقاتی انبساط گردیده و مجاهدین در برابر واقعیت راه پس و پیش نداننده اند، آنگاه کوشش کرده اند خود را با شرایط جدید تطبیق داده و چنین وانمود سازند که کویا از ابتدا خود پرچم را رخص صحیح و انقلابی بوده اند (!؟) (مانند واقع سفارت) آری پراتیک مبارزه طبقاتی با راه ثابت کرده است که خط ما نه "چپ روانه" بلکه خط پیگیر و خط مجاهدین نه "خط انقلابی" بلکه خط ناپیگیر و راستروانه بوده است.

مجاهدین میگویند این "حرکات چپ روانه و سکتاریستی" (منظور تا کنیک انقلابی است) باعث تقویت ارتجاع شده و بسا نه مناسبی بدست نیروهای سرکوبگر و چاقا میدهند.

ارزیابی ما بر آنست که تا کنیک انقلابی با رگشتی دانشگاه منجر به تضعیف ارتجاع شده و دامن جنبش را تقویت می نماید، اما مجاهدین میگویند ارتجاع تقویت میشود.

مجاهدین میگویند تا بدما رزه انقلابی کرد چرا که ارتجاع تقویت میشود و نیروهای سرکوبگر و چاقا ربه نه مناسبی بدست می آورند. مجاهدین از مذهب طبقاتی ارتجاع حرکت نمیکند، مجاهدین مبارزه انقلابی را با به طلی سرکوب طبقاتی قرار میدهند. بورژوازی بنا به مذهب طبقاتی خود به سرکوب انقلاب میپردازد. از نظریک طبقه ارتجاعی، هر اعتراض و مبارزه ای علیه آن "شنج" بوده و "تهانه" ای برای سرکوب انقلاب است اما از مجاهدین میبیرسیم مگر شما کم مظلوم نمائی کرده اید؟ مگر شما کم نظلم خواهی نموده اید؟ مگر شما کم از مبارزه انقلابی طرفه رفته اید؟ جواب روشن است شما اساساً در مقابل ارتجاع کوتاه آمده اید،

اما آیا رنج و آزار و درقبال شما و ااداران انقلابیستان
کوتاه آمده است؟ هرگز! پس می بینید که
ارجاج احتیاج بسیار نمانده، و بر آن است که
نوده ها نیا بد میا ره کنند تا بدین ترتیب
حاکمیت طبقاتی ستمگران برقرار رساند.
پرواضح است که سیاست راستروانسه
مخادین درقبال اوضاع کنونی و موضع انحرافی
آنان درقبال کمونیستها و ناکتیک انقلابی
با زکشی دانسکا و نمیتوا ندبه محکوم کردن
یک مبارزه انقلابی نیا انجامد. واقعا تا سف آور
است ببیند ترلز یک نیروی ضدامپریالیست چگونه
به یک سیاست انحرافی و خطئه آمیز منجر میگردد
واقعا زکشی دانسکا یکبار دیگر نشان داد
که مجاهدین در مرز بندی خود علیه سوزووی
دچار ترلز بوده و این ترلز خود را بطسور
بازری در محکوم ساختن یک مبارزه انقلابی به
نمایش میگذارد.

راه کارگز و تسلیم طلبی در سیاست و عمل

جرمان با زکشی دانسکا و مرز بندیهای
سیاسی - طبقاتی را در عرصه دیگر نیز مشخص تر
نمود، و نشان داد که چگونه نیروهای متزلزل
در ابتدای راه با زمینها نند، راه کارگر که یکی
از نیروهای شرکت کننده در کمیته برگزاری بود
یکبار دیگر در عرصه سیاست و عمل نشان داد
که چندرنا پیگیر و متزلزل است، راه کارگر
یکبار دیگر در عرصه سیاست و عمل نشان داد که تا
چه میزان تحت سیطره انحراف ریزونیستی
فرا رگفته و تا چه میزان در مقابل سوزووی و
نیروهای سرکوبگرش دچار ترلز و تسلیم -
طلبی است. جنبش با زکشی دانسکا به جنبش
کمونیستی نشان داد که کشش نیروی ما نند راه
- کارگرتا به کجاست و اینک توده های آگاه نیز
با بدیدانند که راه کارگر چقدر متزلزل و ناپیگیر
است و راهی که در پیش گرفته راه چریکی فدائی
اکثریت است، آری توده های آگاه با بدیدان مکان
پیدا کنند تا به مرز بندی دقیق با نیروهای
نا پیگرددست یافته و نسبت به انحرافات عمیق
آنان آشنا گردند.

راه کارگر با توجه به این امر که معتقد است
جنگ ارتجاعی ایران و عراق عادلانه است، بسا
توجه به اینکه بر آن است که با بدیدان رژیم ایران
در برابر رژیم عراق حمایت کرد و با بقول خودش
از "بدشخص" در برابر "بدتر شخص" دفاع نمود و بسا
توجه به اینکه معتقد است در این شرایط، رژیم
مرتجع جمهوری اسلامی را نیا بدتضعیف نمود،
در برنا هم کمیته برگزاری خود را شرکت میدهد.
سیاست کمیته برگزاری از برپا نشی راه هیما نشی
با زکشی روشن بود؛ انجا میک نظر هرات علیه
رژیم جمهوری اسلامی و آنهم در زمانی که کماکان
جنگ ارتجاعی ادامه دارد اما راه کارگر برخلاف
تمامی تحلیلها ی خود از جنگ و رژیم حاکم اعلام
مواقت جهت شرکت در این راه هیما نشی مینماید.
چرا راه کارگر برخلاف تحلیلها یش جهت شرکت

اعلام آمادگی کرد؟ راه کارگر بنیما به نیروی که
میان ما رگسیسم و ریزونیسم در نوسان است،
از انفراد در جنبش کمونیستی هراسناک بود. و
برخلاف تحلیلها یش تحت تا شبر قطب چپ آمادگی
خود را جهت شرکت اعلام نمود.

اما در کمیته برگزاری چه گذشت؟ راه کارگر
بر اساس مثنی راستروانسه و انحرافات ریزونیو -
نیستی خود معتقد بود که در نظر هرات فقط راجع
به دانسکا و با بدیشا را دودر مورد کشتا رژیم
در کردستان و ترور و کتجه حکومت جمهوری
اسلامی، در راه هیما نشی شکاری نیا بد مطرح
ساخت، راه کارگر با درک راست و ریزونیستی
خود میکوشید تا هدف نظر هرات را محدود به باز -
گشاشی دانسکا و نموده و آن را نسبت به جنباش
ستمگران رژیم بی تفاوت نشان دهد، راه کارگر
حتی تا آنجا جلو میرو د که میگودید بجای شمار
"از خطی و گران، مردم به تنگ آمدند" بسا بد
گفت: "از احتکار و گران، ... یعنی همان
توزیونیستهای اکثریت! همان تزی که
نمیخواهد سیستم حاکم را محکوم کرده و آن را سیستم
فحطی و گرسنگی برای توده ها نشان دهد، بلکه
میخواهد چندتا جرثومک کهنه را عامل اساسی
نا بسا مانیها نشان دهد و ملی کردن توسط رژیم
جمهوری اسلامی را راهجات بنما پانده، البته
انحراف راه کارگر در کمیته برگزاری به سوار
فوق محدود نمیگردد، و در مقابل رفقای که
خواهان انشای حزب توده بنیما به یک نیروی
ریزونیستی و ضد انقلابی میباشند موضع
مخالف گرفته و اطلاق "ریزونیست و ضد انقلابی"

را در مورد حزب خاش توده نا درست میداند،
ببینید و ریزونیستها کجا عمق یافته است!
پرواضح است جریانی که سوسال امپریالیسم
شوری را سوسیالیستی جلوه دهد، نیروی کار -
گزار و مرتجعی چون حزب توده را نمیتوانند
انقلابی قلمداد نمایند، آیا با دنان هست که
چریکیا قبل از استحاله کامل خود از موضع
انقلابی گذشته دست کشیده و به حزب توده صرفا
"اپورتونیست" اطلاق کرده و سپس حزب توده را
نا مقام نیروی ضدامپریالیستی و درون جنبش
کمونیستی ارتقا داده اند؟ امروز راه کارگر به

همان راه میبرد، راه کارگر در کمیته برگزاری به
راه خود ادامه میدهد، تمرکز نیروهای پاسدار و
حزب الهی و بسیج ارتجاع در برابر دانسکا
راه کارگر و احترزه کرده و شیدا متزلزل
می نماید، برپا به این هراس و سراسیمگی راه -
کارگر در کمیته برگزاری مطرح میکند: تا زمانی
که بنی صدر در مورد نظر هرات موضع نگرفته بود
امکان سرکوب ضعیف بود ولی در حال حاضر که
بنی صدر نیز علیه راه هیما نشی موضع گرفته بدین
معناست که همه جناحهای رژیم روی سرکوب
توافق دارند و بنیما بر این با بدیدان هیما نشی را
لغون نمود!

آیا این مسئله از قبیل روشن نبودن همه
جناحهای هیما حاکم روی سرکوب انقلاب و
جنبش توافق دارند؟ آیا به امید عنا بیت لبرالها

با بد دست به نظر هرات زد؟ راه کارگر انتظا ر
دارد که همه بخشهای حکومت در سرکوب جنبش
توافق نداشته باشند، تا تعرضی انقلابی نمود.
چنانچه نظر رعشی! تجربه دوسا له حکومت اسلامی
بپیوسته نشان داده است که همه جناحهای ضد
انقلاب، چنانکه روسرکوب انقلاب و آزادی می
- باشند، تمرکز فوای دشمن و توافق همه جناح
- های رژیم راه کارگر به هراس مینانند و
راه کارگر در آغز راه اعلام میکند که خود را کمیته
بیرون میبرد، تسلیم طلبی راه کارگرتا نشی از
چیه بود؟ تکامل انحراف ریزونیستی راه کارگر
ریشه این تسلیم طلبی است، تسلیم طلبی در عرصه
سیاست و تسلیم طلبی در عرصه عملی در مقابل
سوزووی، ریشه در تکامل ریزونیسم در راه -
کارگرتا دارد، تحلیلها ی ریزونیستی راست
راه کارگر درقبال جنگ و حکومت نمیتوا ندبه
ترلز و تسلیم طلبی در عمل نیا انجامد، راه کارگر
برخلاف مثنی خود برای منزوی نشدن به کمیته
میاید، اما واقعیت مبارزه طبقاتی و فشار
ریزونیسم راه کارگرتا بجای خود را میگرداند.
راه کارگرتا نمیتوا ندبنا لاترا ظرفیت خود گام
بردا رد و به همین خاطر مجبور است کامی را که به
جلو گذاشته عقب برگردد، چریکیا اکثریت
بربستری از تکامل ریزونیو نیم در جریان
مقاومت دانسکا در اول اردیبهشت ۵۹ در نیمه
راه متوقف شده و به سازش پنجاهی با سوزووی
دست زده و با لخره به کندها ریزونیسم در -
غلطیدند، راه کارگرتا نیز برستری از تکامل ریزونیسم
در جریان با زکشی دانسکا در اول راه متوقف
شده و برچم تسلیم طلبی را برافراشت، حرکات
راه کارگر به اینجا محدود شدند پس از اینکه راه -
کارگر خواهان لغو نظر هرات بطور کلی میگردد،
رفقای کمیته هما هنگی در برابر این موضع
تسلیم طلبانه مقاومت کرده و موضع راه کارگرتا
مردود میماند، و خود مطرح میمانند که نظر هرات
مرکزی با بدیه نظر هرات موضعی تبدیل گردد.
و فرمولی به این مضمون را قیدی نما بند که
نظر هرات در این محل منحل و در اشکال دیگر
ادامه می یابد.

در واقع همه رفقای کمیته هما هنگی جز راه
- کارگر اعلام میدارند که پرا این روز تلبا هرات
بشکل موضعی با بد صورت بگیرد، و لغو عمومی
نظر هرات حرکتی انحلال طلبانه و تسلیم طلبانه
میباشد، اما راه کارگر که نتوانسته بود موضع
اپورتونیستی خود را بقبولاندا ز کمیته بیرون
رفته و بدروغ بصورت کتبی وشفا هی اعلام میکند
که نظر هرات از جانب کمیته هما هنگی لغوا اعلام
گردیده است!! پس دانشجویان هوا راه کارگر
فردای روز نظر هرات اعلامیه ای بخش نموده و در
آن چنین مینویسند:

"... آنها (دولت) آشکارا قصد خود را بسا
سرکوب و بجا ک وخون کشیدن راه هیما یان
اعلام کرده بودند، از بنجهت کمیته برگزاری
مرا سمکه زبانه های لیلیتها مطلع شده
بود و میدانست آنها با ردیکر میخواهند خون

آشوب سازان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

وسیع، تصمیم به تغییر محل را هیماشی وانجام آن بصورت موضعی از دو محل جداگانه گرفت. بنظر ما این برخورد کمیته برگزاری، برخوردی محافظه کارانه و نشان عدم درک اهمیت سیاسی این راهیماشی است. کمبود نظر نگرفتن نسبتا محدود نیروهای فائز و عمال ارتجاع از سوی دیگر بود. با توجه به اهمیت سیاسی و ضرورت حفظ جنبه تعرضی این راهیماشی و با در نظر گرفتن برتری قاطع نیروهای شرکت کننده در راهیماشی که دست کم به چهل هزار نفر میرسید نسبت به نیروهای فائز که بیش از ۲ هزار تن نبودند میبایست این راهیماشی طبق برنامه

ابتدا پلاتفرم مشخصی در چارچوب اهداف راهیماشی در نظر گرفته شود و نیروهای انقلابی ای که با این پلاتفرم موافقت داشته باشند در کمیته برگزاری شرکت نمایند. این پلاتفرم برای راهیماشی ۲۳ دی میبایست تا ظهر روز پهنای انقلابی با لیبرالها در زمینه با زگنا شسی دانگشا و همچنین موضعگیری در برابر برجسب توده و فداشیا ان کثرت بنموان نیروهسای رویزیونیستی و فدا انقلابی میبود. به این ترتیب شرکت راهکارگر در کمیته برگزاری مؤکول به پذیرش این پلاتفرم میشد و آنچه که بنظر ما بیه کمیته برگزاری انتقاد وارد است این است که باید از زمان ابتدای پلاتفرم فوق تکبیه

جوانان ما را در جلوی دانشگاه هرزمین بریزند! علامه لغویا سم نموند. آنها با این تصمیم انقلابی خودشان دادند که هر چه مرج طلب نیستند، آنها با هشاری توطئه های حاکمیت را خنثی ساختند. مردم سا دیگ. میدانند که آشوب طلب کیست!

عجب می بینید راهکارگر چگونه و قاطع را تحریف کرده و دروغ میگوید! می بینید راهکارگر چگونه صداقت انجمنی پشت کرده و دروغ شاخ داری را تحویل مردم میدهد! حداقل اگر راهکارگر چشمهای خود را باز نکند داشته بود میدید که تظاهرات موضعی در کجا و چگونه صورت گرفت میدید که رفقای انقلابی که از تظاهرات موضعی با خبر شده بودند فریادهای خود را علیه رژیم مرتجع و شبه گار جمهوری اسلامی سردادند. بدین ترتیب میبینیم که راهکارگر چگونه تنها در کمیته برگزاری موضعی تسلیم طلبانه اتخاذ نمود، نه تنها به هنگام تظاهرات موضعی با تبلیغات شفاهی و کتبی خود به کارکنی در صفوف تظاهرات هر کسندگان پرداخت بلکه علاوه بر تبلیغات رفقای که به تظاهرات موضعی پرداختند "هر چه موج طلب مینامد، آری تظاهرات انقلابی که در آن بیش از پنجاه هزار نفر شرکت میکنند از نظر راهکارگر آشوب طلبی از آب در میآید!

مواضع و حرکات راهکارگر اتفاقی نیست، این سیاستها را دامه همان انحرافات عمیق است یافته رویزیونیستی راهکارگر نتیجه مشی شدید استروانه حاکم بر آن است. سمت و سوی که این سیاستها و مواضع ترسیم میکند سمتگیری بسوی رویزیونیستیهای فداشی اکثریت خاشن میباشد. راهکارگر باید بداند که موضع کنونی او یک موضع گذر است. راهکارگر باید هر چه زود تر انتخاب کند یا انقلاب و مارکسیسم و یا نفی انقلاب و رویزیونیسم. راهکارگر ناگزیر از انتخاب یکی از این دو راه میباشد.

قبلی از جلوی دانشگاه و از جانبان فخر رازی صورت میگرفت. در این صورت تمامی جمعیت شرکت کننده فاد میشدند تا در راهیماشی بطور فعال شرکت جست و نمايش عظیمی را علیه رژیم جمهوری اسلامی صورت دهند. در حالیکه تغییر برنامه را هیماشی موجب گردید تا اول نیروها تجزیه شده و ناچار بسیاری از افراد شرکت کننده بدلیل عدم اطلاع از برنامه جدید نتوانند در راهیماشی موضعی شرکت نمایند. ضمنا مکان درگیری وسیعی بین نیروهای فائز و پادسا رو افراد شرکت کننده نیز آنگونه که کمیته برگزاری بدان اعتقاد داشت نیز بنظر ما با توجه به شرایط سیاسی و مشکلات محدودیتهاشی که رژیم درگیر آن است و با توجه به انبوه جمعیت شرکت کننده در راهیماشی وجود داشت و آنچه که در حالت دوم یعنی تظاهرات موضعی بوجود آمد فرا تر نمیرفت. ما خواهم کوشید تا با بررسی دقیق تر و روشن تر از این تظاهرات جمعیتی خود را از اشکالات و ضعفها آراشه نموده و بنوبه خود جنبش را در راه پیروزیهای با زهم بیشتر مدد رسانیم.

میکرد راهکارگر در صورت الزام به رعایت مواد آن شرکت داده میشدند تا در اینجسا و آنجا کمیته را از نظر موضعگیری سیاسی دچار اشکال سازد. این مسئله ای است که باید در آکسیونهای بعدی دقیقاً مورد توجه قرار گیرد. روشن است که شرط ورود راهکارگر به کمیته برگزاری این آکسیونها و لا پذیرش پلاتفرم مربوطه و ناچار برخورد انتقادی بر حرکت اپورتونیستی و غیر اصولی است که در راهیماشی اخیر از خود نشان داده و ما در بالا آن صحبت کردیم.

انتقاد ما

بدین ترتیب علیرغم تبلیغات و تهدیدات ارتجاع، علیرغم تلاشهای فدا انقلابی رویزیونیستها دهها هزار نفر توده گاه در جلوی دانشگاه گرد میآیند و نشان میدهند که طرفدار کسب دمکراسی و خواهان انقلاب میباشند. اما در همین هنگام کمیته برگزاری را میسرمانندگی قبیل از فرا رسیدن ساعت شروع راهیماشی با توجه به تمرکز نیروهای فائز و پادسا رو مکان درگیری

آری این مواضع و حرکات راهکارگر اتفاقی نیست این سیاستها در ادامه همان انحرافات عمیق استروانه حاکم بر آن است. سمت و سوی که این سیاستها و مواضع ترسیم مینمایند استروانه حاکم بر آن است. سمت و سوی که این سیاستها و مواضع ترسیم مینمایند اکثریت خاشن میباشد. راهکارگر باید بداند که موضع کنونی او یک موضع گذر است. راهکارگر باید هر چه زود تر انتخاب کند یا انقلاب و مارکسیسم یا نفی انقلاب و رویزیونیسم. راهکارگر ناگزیر از انتخاب یکی از این دو راه میباشد.

اکنون این سوال پیش میآید که آیا با در نظر گرفتن تزلزل و نا پیگیریهای شدید راهکارگر مولی این نبود که از زمان ابتدای ورود راهکارگر به کمیته برگزاری جلوگیری میشد؟ بنظر ما این نحوه برخورد با مسئله، کار درستی نیست. شیوه اصولی برخورد با این است که از



دانشجوی مبارز، به یاری توده ها، سنگ خود را بگشا!